

مبانی اخلاقی حقوق شهروندی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) [◇]

غلامرضا اسم حسینی¹

چکیده

هدف: این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که در اندیشه سیاسی امام خمینی مبانی و اصول اخلاقی چیست و این مبانی چه تأثیری بر تبیین و رعایت حقوق شهروندی می‌گذارد؟ **روش:** این مقاله به روش تحلیلی و استنباطی با اتکا به متون و آثار امام خمینی نگاشته شده است. با توجه به گستردگی منابع، در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** مدعای مقاله این است که مبانی و اصول اخلاقی در ساختار فکری حضرت امام، مبتنی بر فطرت، عقلانیت دینی، کرامت ذاتی و تحول‌گرای انسان است که از طریق تأثیرگذاری در گرایشهای انسان در آیین شهروندی تأثیر می‌گذارد. در واقع؛ اخلاق الهی، با هدف رسیدن به قرب الهی، حضور مسئولانه و متعهدانه شهروندان در نظام اسلامی را در پی دارد و زمینه توسعه سیاسی، آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، عقلانیت جمعی، قانون‌مندی، انعطاف‌پذیری و شناخت و رعایت حقوق فردی و جمعی را افزایش و در نهایت موجب رشد فضایل، تعالی، پیشرفت و پویایی جامعه اسلامی می‌شود. مقاله این پرسش را به روش تحلیلی و استنباطی پاسخ داده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی، مبانی اخلاق، حقوق شهروندی، اخلاق شهروندی، اندیشه سیاسی.

◇ دریافت مقاله: 98/12/26؛ تصویب نهایی: 99/04/12.

1. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه/نشانی: ارومیه خیابان رسالت کوی اورژانس نهاد رهبری دانشگاه علوم پزشکی ارومیه / نامبر: 04432234897 / Email: gh.esmhoseini@gmail.com

الف) مقدمه

یکی از پیش‌نیازها برای فهم الگوی جمهوری اسلامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی در اندیشه سیاسی امام خمینی، به خصوص در هم‌آوردی با مکاتب اومانیستی و لیبرالیستی، مبانی اخلاقی و مباحث ناظر به ارتباط و پیوند میان اخلاق و سیاست و تأثیر آن دو بر ارتباطات اجتماعی و حقوق شهروندی است. در اندیشه سیاسی امام، چون غایت و مقصد اصلی، هدایت و سعادت انسان و رسیدن او به کمال مطلق و قرب الهی است (امام خمینی، 1374 الف: 582)، اخلاق و سیاست دو ساحت از یک حقیقت محسوب می‌شوند. در نظر امام، مبانی اخلاقی با تمامی حوزه‌ها و مقولات مربوط به فرهنگ، اقتصاد، اجتماع و به خصوص سیاست، در ارتباط و تعامل ساختاری و محتوایی است (صدرا، 1383). اخلاق و مبانی آن در ساختار فکری حضرت امام، برخاسته از نظام اخلاقی اسلام است و در راستای هدایت و سعادت انسان برای رسیدن به قرب الهی قرار می‌گیرد.

عمده آثار اخلاقی امام را می‌توان در کتب شرح چهل حدیث، شرح حدیث جنود عقل و جهل، جهاد اکبر و مبارزه با نفس جستجو کرد. برخی از مطالب اخلاقی نیز به طور پراکنده در آثاری مانند اسرار الصلاة، آداب الصلاة و تقریرات فلسفی آمده است. تعریف اخلاق از نظر گاه امام خمینی، مشابه تعاریف مشهور علمای اخلاق؛ یعنی تعادل قوای آدمی و رسیدن به عدالت و رعایت حد وسط است (امام خمینی، بی‌تا، ج 14: 394). از نظر وی، مراد از یادگیری علم اخلاق، تهذیب نفس است و تهذیب نیز مقدمه حصول حقایق معارف و لیاقت نفس برای جلوه توحید است. (همو، 1373)

ب) روش تحقیق

روشی که در این مقاله به کار بسته شده، تحلیلی و استنباطی است و موارد تحقیق، متکی به متون و آثار امام خمینی است. تکیه اصلی این روش بر فهم و تجزیه و تحلیل آثار امام خمینی در چارچوب مکتب فکری اوست که با توجه به گستردگی منابع، در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. به بیان دیگر؛ در این مقاله سعی شده است از روش تحلیلی مفهومی مبانی اخلاقی، حقوق و اخلاق شهروندی در بستر اندیشه سیاسی امام و پیوند و ارتباط ساختاری آنها و ارتباط منطقی و کاربردی مؤلفه‌های اصلی حقوق شهروندی به صورت استنباطی به پرسش اصلی مقاله پاسخ داده شود.

ج) چارچوب و رویکرد نظری

اندیشه سیاسی اجتماعی امام، متأثر از مشرب فکری و فلسفی حکمت متعالیه و جهت‌گیری کلی در آن، تعالی‌گرایی است. رهیافتهای معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی حکمت متعالیه بستر ساز تکوین

نظریه‌های سیاسی اجتماعی متعالیه در موضوعات متعدد حیات اجتماعی است. این نظریه مبتنی بر اصل تحول‌گرایی و تغییرپذیری انسان و جامعه، اصل اختیاری بودن افعال انسان و رابطه ساختاری و فلسفی بین دین و عقل و شرع است و تشکیل حکومت الهی، نظام‌سازی، جامعه‌سازی و همچنین ترسیم حقوق و روابط آن از وظایف مهم حاکم الهی و احاد شهروندان است.

این رویکرد بر خلاف دیگر رویکردهای بنیادین امانیستی (در شکل فردگرایانه یا جمع‌گرایانه)، جامع و نظام‌مند است. این مکتب، سامانه عقلانی‌ای را در بر می‌گیرد که هم شامل حکمت نظری است و هم حکمت عملی. جهت‌گیری این رویکرد، تعالی‌گرایی در تمام جوانب زندگی است؛ طوری که اگر افعال اختیاری در مسیر صحیح قرار گیرد، انسان را به تعالی می‌رساند و اگر در مسیر نادرست واقع شود، او را به انحطاط می‌کشانند. به بیان دیگر؛ امام خمینی برای انسان، قائل به سه شأن و مرتبه عقلی، قلبی و ظاهری است (امام خمینی، 1374/الف: 386) که برای تکامل و سعادت باید به طور همزمان مورد توجه قرار گیرند. ایشان این بحث را ذیل حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل کرده‌اند که می‌فرمایند: «لَعَلِمُ ثَلَاثَةَ آيَةٍ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ» (همان: 385). امام خمینی می‌فرماید علم اول که آیه محکمه است، به اعتقادات انسان مربوط می‌شود که انسان به هر چیزی که در عالم طبیعت نگاه می‌کند، آن را نشانه‌ای از نشانه‌های الهی بداند. در این صورت، اعتقاداتش محکم می‌شود. این مربوط به عقل است. فریضه عاده مربوط به اخلاق می‌شود و سنت قائمه مربوط به فقه و حقوق و سیاست و امثال اینها می‌شود. به طور کلی انسان بر مبنای عقلانیت، طریقت و شریعت توأمان، زمینه لازم را برای تحقق جامعه متعالی در راستای هدایت و سعادت انسان فراهم می‌سازد و انسانی که دارای تربیت به این معنا شده باشد، انسان متعادل است؛ به طوری که در وجودش تعادل و عدالت را برقرار کرده و بر وجودش ولایت دارد؛ انسانی که می‌تواند عقل، قلب و حواسش را اداره کند و یک زندگانی کاملاً سعادتمند داشته باشد. (همو، بی‌تا ج 4: 177)

1. حق

مفهوم «حق» از مهم‌ترین موضوعات مربوط به حوزه اخلاق، حقوق و سیاست است. در این میان، بحث از معنای حق، به خصوص در نگاه اندیشمندان اسلامی و به طور اخص در حوزه‌های فقهی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی، یکی از مباحث مهم است. تبیین دقیق معنای «حق»، زمینه مناسبی را برای طرح مباحث مهم نظام‌های سیاسی و در خود نظام بین روابط اجتماعی افراد جامعه و شهروندان آن فراهم می‌سازد.

حق از نظر لغت، در معنای‌ای از جمله: «مطابق با واقع بودن»، «سلطنت»، «ثبوت» و «ثابت» ظهور و نمود بیشتری دارد (جبران، 1381، ج 1: 689). در اصطلاح و آثار فلسفی، به معنی شایستگی و غایت عقلی و اختصاص داشتن آمده است (رضانژاد، 1371: 307). حقوقدانان آن را نوعی اقتدار و آزادی، امتیاز و توان تصرف و مفهومی اعتباری می‌دانند (امامی، 1386، ج 1: 125). در اصطلاح فقهی، اغلب به معنی «سلطنت» آمده است. در بررسی

1018 ♦ مبانی اخلاقی حقوق شهروندی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

مکاتب اخلاقی وظیفه‌گرایی، غایت‌گرایی و اخلاق فضیلت‌محور؛ نظریه امر الهی به ترتیب به معنی فعل درست، غایت خوب، بایستگی و در نهایت، فعلی درست و بایسته است که مورد امر خدای متعال قرار گرفته است. (مجیبی مصباح، 1382: 139)

در اصطلاح سیاسی، بر خلاف اصطلاح حقوقی که در آن حقوق و وظایف افراد و گروهها به عنوان انسانهایی که موجودند و هر انسان ذی‌حیاتی برای تداوم حیاتش از حقوق انسانی و الهی برخوردار است، نگاه می‌شود؛ مسئله حق در نحوه مناسبات و تعامل میان حکومت و ارکان و اجزای آن با مردم شکل می‌گیرد و دیدگاه غالب به معنی امتیاز یا قدرت و استحقاق عمل است (فرمیخه، 1377: 352). از مجموع آنچه بیان شد، می‌توان گفت که مفهوم حق در موضوع بحث این نوشتار که یک بحث اجتماعی سیاسی و حقوقی در بستر اندیشه دینی در حوزه حکومت‌داری اسلامی است، به معنی امتیاز، اختصاص، سلطنت و نوعی ثبوت چیزی بر کسی یا چیزی است.

2. حقوق شهروندی

از نظر ترنر، شهروندی مجموعه‌ای از حقوق و وظایف است که دستیابی هر فرد به منابع اجتماعی و اقتصادی را تعیین می‌کند. تی. اچمارشال شهروندی را به سه عنصر مدنی، سیاسی و اجتماعی تحلیل می‌کند. شهروندی، موقعیت اعطا شده به اعضای کامل اجتماع است (شیانی، 1384: 165). در یک تقسیم‌بندی، حقوق شهروندی شامل حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و قضایی می‌شود.

حقوق مدنی شامل موارد متعددی مثل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، مذهب، برابری در برابر قانون، ممنوعیت تبعیض بر اساس جنس و نژاد و منشأ ملی یا زبانی و حمایت از شخص در برابر اقدامات غیر قانونی دولت مثل حبس (غیرقانونی) یا کار اجباری است. (گلدوزیان 1384: 57)

حقوق سیاسی، حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای آزاد حکومت ضروری است و موارد مثل حق رأی و امکان تصدی مسئولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت‌های سیاسی (همان: 62) شامل حقوق اقتصادی - اجتماعی که از آن به «عضویت کامل در عرصه اجتماعی جامعه» نیز تعبیر شده است، مواردی مثل حق مالکیت، حق کار کردن، برابری در فرصت‌های شغلی، حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی - بهداشتی، بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و استاندارد زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری و پیری را شامل می‌شود. (همان: 68)

حفاظت از فرهنگ و زبان اقلیتها، حق دستیابی به فرهنگ و زبان اکثریت، حق داشتن سنتها و شیوه‌های زندگی متفاوت، حق داشتن ارتباطات فرهنگی و بین‌المللی، احترام به تفاوت‌های قومی و فرهنگی و برابری در آموزش، از مهم‌ترین حقوق فرهنگی است (همان: 70-56). همچنین بهره‌مندی از اصل برانیت، حق دفاع،

دادرسی عادلانه، حق اعتراض به تصمیمات قضایی، رسیدگی علنی و بدون تبعیض، حق دسترسی به ادله قضایی، اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها، حق جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی و حق انتخاب وکیل، از مهم ترین حقوق قضایی شهروندی محسوب می شود. (همان)

3. ارتباط حقوق و اخلاق در نظام شهروندی

شهروندی نوعی حق است که از یک سو توسط شهروندان و دولت به رسمیت شناخته شده و از سوی دیگر، نوعی وظیفه است که آحاد جامعه نسبت به هموعان خود دارند: کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار شود (امینی، 1377: 349). امروزه می توان شهروندی را عضویت کامل فرد در اجتماع دانست که در سه حوزه حقوق مدنی شهروندی، حقوق سیاسی شهروندی و حقوق اجتماعی مطرح است.

از طرفی، اخلاق شهروندی مجموعه ای از مبانی، معیارها، بایدها و نبایدها و هنجارهای حاکم بر رفتار، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان است و سعادت و کمال انسان را به ارمغان می آورد؛ زیرا رشد و تعالی زمانی میسر است که شهروندان در سایه پرورش فضایل اخلاقی، به اصول ارزشی و مقررات اجتماعی پایبند باشند، به خصوص مکتب انسان ساز اسلامی که به شهروندان و نظام اجتماعی، نگاه خاصی دارد و به حقوق و وظایف انسان در اجتماع تأکید دارد و کرامت و فضایل انسانی را بزرگ ترین عامل مهم در بازدارندگی از انحراف و اصل ضروری برای رشد، تعالی و تکامل شهروندان جامعه اسلامی می داند.

در واقع؛ بر اساس مبانی اسلام و آموزه های آن، اخلاق شهروندی، اصولی است که سبب رعایت حقوق فردی و اجتماعی و تکلیف نسبت به دیگران، پیروی از قوانین و مقررات اجتماعی، احساس مسئولیت نسبت به هموعان و ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی در همه صحنه های تلاش و فعالیت های گوناگون می شود و اینها همه مورد تأیید اسلام است. بر اساس آیات و روایات و همچنین سیره ائمه اطهار، اخلاق شهروندی شامل اخلاق فردی، اخلاق اجتماعی، اخلاق اقتصادی، اخلاق سیاسی، اخلاق خانواده، اخلاق دولتمردان، اخلاق کارگزاران، اخلاق مدیران، اخلاق رسانه و مطبوعات و موضوعات می شود.

در مجموع، مبانی اخلاقی و امور حقوقی و قوانین اسلامی، پشتوانه ای قوی برای مناسبات اجتماعی و سیاسی است؛ فرایند جامعه پذیری و آیین شهروندی را نظم می بخشد و در چارچوبهای خود، شیوه های زندگی، ارتباطات مشروعیت و نحوه واگرایی و همگرایی و انسجام را در بین مردم شکل می دهد. از طرفی، گسترش اخلاق اجتماعی و به خصوص اخلاق شهروندی، از موضوعات بسیار مهم و حیاتی در اداره جامعه، به ویژه در جهان معاصر محسوب می شود. وجود جامعه اخلاقی، مستلزم رعایت حقوق افراد و شهروندان است.

4. مبانی اخلاقی حقوقی شهروندی در نظر امام خمینی

یکی از مهم‌ترین مبانی اندیشه امام که نوعاً بر روابط حاکم بر نظام سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین هنجارها و روابط و حقوق متقابل در جامعه تأثیرگذار است، مبانی اخلاقی برخاسته از نظام اخلاقی اسلام است. این مبانی مبتنی بر اصول فکری حکمت متعالیه بوده، در راستای رسیدن به قرب الهی است و حاصل آن، گسترش فضایل اخلاقی در تمامی سطوح اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است.

بر اساس این دیدگاه و چارچوب نظری، مبانی اخلاقی امام در بستر اندیشه سیاسی اجتماعی، به خصوص در موضوعات مربوط به حقوق و آزادی‌های اجتماعی، سیاسی و شهروندی که رویکردی عملی و کاربردی از بحث توسعه سیاسی است، تأثیر بسزایی دارد و مبتنی بر فطرت الهی، عقلانیت دینی و کرامت ذاتی انسان است و تکلیف‌گرایی و مسئولیت‌پذیری و مشارکت حداکثری تک‌تک شهروندان را در رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی با جهت‌گیری تقریب به خداوند متعال در پی دارد. در ادامه به ترتیب به سه مبنای اصلی؛ یعنی فطرت الهی، عقلانیت دینی و کرامت ذاتی انسان بر پایه دین مبین اسلام اشاره می‌شود.

یک) فطرت الهی

فطرت مشتق از «فطر» است که در لغت به معنی آغاز کردن و شکافتن است و در قرآن کریم به معنی آفریدن و خلق کردن به کار رفته است. امام در توضیح این معنی می‌فرماید: «خلقت گویی پاره نمودن پرده عدم و حجاب غیبت است» (امام خمینی، 1374/الف: 179). فطرت عبارت است از هستی یافتن و پدیدار شدن و مراد از امور فطری، مجموعه خصوصیات است که پدیده‌ها با آن آفریده می‌شوند و از دیگر پدیده‌ها ممتاز می‌شوند. در این میان، انسان از کشفهای فطری خاصی همچون: کمال‌خواهی، مطلق‌گرایی، آزادی‌خواهی عدالت‌خواهی خداجویی و نقص‌گریزی برخوردار است که او را به نحو تمام و کمال بر دیگر موجودات برتری می‌بخشد. امام درباره خلقت انسان معتقد به دو فطرت اصلی و تبعی است و اینکه این دو به منزله پایه و اصل سایر فطریات است. ایشان در توضیح این دو فطرت می‌نویسند: «یکی فطرت مخموره غیر محجوبه است که سمت اصلیت دارد و آن عبارت است از فطرت عشق به کمال مطلق و خیر و سعادت مطلقه» (همان: 76). به نظر ایشان، این فطرت در نهاد همه آدمیان موجود است و دیگری، فطرت محجوبه است که سمت فرعی و تابعیت را دارد و همان فطرت تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت است که این مخمر بالعرض است. (همان: 77)

حضرت امام، فطرت مخموره را وزیر عقل و مبدء و منشأ خیر، بلکه خود خیر می‌دانند و فطرت محجوبه و گرفتار حجب طبیعت را وزیر جهل و مبدء و منشأ شر، بلکه خود شر معرفی می‌کنند (همان). از منظر امام؛ ایمان، شکر، توکل، صبر، رأفت، علم، خوف، تواضع، تائی و استسلام، از «جنود عقل» و لوازم فطرت مخموره‌اند و در مقابل؛ کفر، جهل، گستاخی، تکبر، شتاب‌زدگی، بی‌ثباتی، بی‌قراری، جزع و ... از «جنود جهل» و لازمه فطرت محجوبه‌اند. به بیان دیگر؛ از نظر ایشان انسان دارای دو ساحت و فطرت است.

بر این اساس، در درون انسان «دو نقشه راه» (دو فطرت یا دو نفس) سرشته و الهام شده است و انسان در میانه آن دو، مسیر شدن و کمال را طی طریق می‌کند. (طباطبایی، 1387)

فطرت، حقیقتی یکسان و همگانی در میان انسانهاست که آنان را به سمت کمال و حقیقت سوق می‌دهد و جامع حقیقت انسانی است. بر اساس نظریه فطرت، انسانها دارای ادراکات و گرایشهای فطری مشترکی اند که با دارا بودن دو ویژگی عمده، مؤثر بر اثبات حقوق بشر و شهروندی است؛ یعنی امری همگانی است و فارغ از هر دین و دولت، موهبتی و غیر اکتسابی است و همه انسانها از بدو تولد از آن برخوردارند. موضوع فطرت، زیرساخت معرفت‌شناسی انسان، اعم از انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و هستی‌شناسی است. برای نمونه، ویژگی‌هایی مثل آزادی‌خواهی، عدالت‌گرایی، اعتدال‌گرایی، انعطاف‌پذیر بودن انسان، ابتدای اخلاق بر دین، سعادت‌گرایی، ابعاد وجودی انسان و تحول‌گرایی آن و کمال‌گرایی، از پایه‌ای‌ترین مباحث انسان‌شناسی فطرت است که بالطبع اثر آن در حوزه سیاست و جامعه و اقسام روابط و حقوق حاکم در آن، از جمله حقوق شهروندی مشهود است. در قسمت اصول و گزاره‌های تأثیرگذار بر منظومه معرفت‌شناسی امام، به این ویژگی‌ها اشاره خواهد شد.

دو عقلانیت دینی

امام خمینی به عنوان یک اندیشمند اسلامی، عقل‌گرایی بر اساس مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی شیعی را فراتر از محدوده عقل‌گرایی افراطی نوع غربی می‌داند. عقلانیت از دیدگاه امام، طبق فرمایش معصوم (ع): «العقل ما عُبدَ بهِ الرَّحْمَنُ» (کلینی، 1385، ج 1: 11)؛ آن چیزی است که ما به کمک آن خدا را عبادت می‌کنیم و برخاسته از دین است و در حوزه معرفت‌شناسی، پیوند محکمی با وحی دارد و فقط جنبه ابزاری نداشته و به اصطلاح، عقلانیت ابزاری تلقی نمی‌شود.

حضرت امام طی بحثهایی جامع و علمی در آثار خود، با محوریت و مبنا قرار دادن عقلانیت دینی و عناصر آن در کنار شرع مقدس اسلام، به مباحثی مثل اجتهاد، تشخیص مفاسد و مصالح در فهم احکام ثانویه، تشخیص موضوعات، تطابق احکام و فرامین اسلام با نیازها و مقتضیات زمان، انعطاف‌پذیری دین در برخورد با موضوعات اجتماعی و سیاسی و دهها موضوع دیگر، در پاسخگویی به نیازها و ضرورت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی اقتصادی ورود و تأکید دارد؛ به طوری که عقلانیت دینی، پایه و اساس اندیشه و سیره عملی امام را در تمامی حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله موضوع توسعه سیاسی تشکیل می‌دهد. مقام معظم رهبری در تبیین شاخصهای مکتب امام خمینی در این خصوص، به سه مقوله معنویت، عقلانیت و عدالت (سخنرانی در بیست و دومین سالگرد رحلت امام) تأکید می‌کنند.

ایشان معنویت، عقلانیت و عدالت را ابعاد اصلی مکتب امام می‌خوانند. به عقیده امام، دین در اندیشه اسلامی، ابزار محدود کردن عقل نیست؛ بلکه به کمک عقل، امیال را کنترل می‌کند. از نظر ایشان، نظام

1022 ♦ مبانی اخلاقی حقوق شهروندی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

سیاسی اسلامی دو ویژگی اساسی رضایت الهی و رضایت مردم را باید داشته باشد؛ یعنی در مرحله اول، دولت اسلامی دولتی عقل‌گرا و عدالت‌محور است. هرگاه این دو شرط برقرار باشد، حتماً چنین نظامی مقید به رضایت الهی نیز هست. در مرحله دوم، رضایت الهی مقید به رضایت مردم نیز هست. البته به شرطی که مغایر با احکام و دستورات خداوند متعال نباشد.

عقلانیت ایشان دقیقاً مبتنی بر عقل‌گرایی شیعی و اختیار و اراده انسانهاست. این تأثیرپذیری، در اندیشه سیاسی ایشان نیز وجود دارد. در نظر ایشان، تمامی شاخصهای توسعه سیاسی از جمله آیین شهروندی و حقوق آن، در مفهوم عقلانیت اسلامی، جزء موضوعات عرفیه است و تصمیم‌گیری درباره آنها از سوی شارع مقدس به خود انسانها و عقل و عرف بشری واگذار شده است و مسائلی همچون: نهادینه شدن نظام سیاسی و شیوه تصمیم‌گیری، تمایز ساختاری و تخصصی کردن وظایف گوناگون سیاسی، افزایش قابلیت نظام سیاسی، برابری و مساوات شهروندان در حقوق، امکانات و فرصتها، افزایش تحرک اجتماعی و مشارکت مردم در سیاست، شایسته‌سالاری، رقابت سالم گروههای اجتماعی، قانون‌محوری و مسائل دیگر، از موضوعات عرفی قلمداد می‌شوند و زیرمجموعه عقلانیت به معنای اسلامی قرار می‌گیرند. برای نمونه، سخنان امام در تبیین عقلانی ولایت فقیه و استدلالهایی که برای تأسیس حکومت اسلامی و پیوند سیاست و دین و همبستگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و هدایت و رهبری انقلاب و دفاع از اسلام و مسلمین دارند، همه گواه بر این موضوع است.

سه) کرامت ذاتی انسان

کرامت به معنای بزرگی ورزیدن، بخشندگی، سخاوت و جوانمردی (امام خمینی، 1379) و نیز پاک بودن از آلودگی، شرف و کمال به کار رفته است (حرانی، 1427). حق کرامت به معنای حق رعایت عزت نفس آدمی است (مکارم شیرازی، 1393). کرامت حقی است بنیادین، مطلق و آمیخته با تکلیف که موضوع آن نفس و ذات آدمی بوده و قابل توقیف، نقل و انتقال و اسقاط نیست. به عبارت دیگر؛ حقی است آمیخته با تکلیف؛ هر زمان سخن از حق وجود دارد، بحث تکلیف نیز هست و چون به تصریح قرآن کریم، مبدء و منشأ حق، خداوند متعال است: «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ»، انسان در برابر آفریدگار خویش به عنوان معطی حق، تکالیفی را بر دوش خواهد داشت؛ زیرا وجود تکالیف شرعی با هدف جهت‌دهی در مسیر حقوق طبیعی بوده و جز حق محض از تکالیف شرعی برداشت نمی‌شود. (الجزایری، 1406)

امام خمینی درباره این حق که شامل همه انسانهاست، می‌فرماید: «هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیر غنی، اشخاص سفید و سیاه و گروههای مختلف، سنی و شیعه، عرب و عجم، و ترک و غیر ترک - به هیچ وجه - امتیازی ندارند... باید این امتیازات از بین برود، و همه مردم علی السواء هستند با هم و حقوق تمام

1023 ❖ غلامرضا اسم حسینی

اقشار به آنها داده می‌شود. هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذهب دیگر فرقی ندارد.» (امام خمینی، بی‌تا، ج 6: 468)

کرامت به دو نوع ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شود. به تعبیر دیگر؛ کرامت ذاتی که خداوند در نهاد هر انسانی به امانت گذارده است، مقدمه نبل به فضایل و کمالات و پایه رسیدن به آنچه انسان شایستگی وصول به آن را دارد است و می‌توان گفت اکتسابی، نوع تکامل یافته و غنی شده کرامت ذاتی انسان است.

قرآن کریم به این مهم چنین تصریح فرموده است: «ای مردم! ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین و پارساترین شماست. خداوند دانا و آگاه است» (حجرات: 13-18). امام خمینی نیز به این مسئله اشاره فرموده است: «در اسلام هیچ امتیازی بین اشخاص غنی و غیر غنی، اشخاص سفید و سیاه و اشخاص و گروه‌های مختلف... امتیازی ندارند. قرآن کریم امتیاز را به عدالت و تقوا دانسته است، کسی که تقوا دارد امتیاز دارد» (امام خمینی، بی‌تا، ج 6: 461). «هیچ فرقی مابین گروه و گروهی در اسلام نیست؛ فقط به تقوا و به اتقائه عن الله تعالی فرق است» (همان: 462). «در حکومت اسلامی بهای بیشتر و فزون‌تر از آن کسی است که تقوا داشته باشد» (همان، ج 20: 341). «آن چیزی که میزان است، تقواست؛ نه رنگ است و نه نژاد است و نه کشور است و نه هیچ چیز دیگر» (همان، ج 18: 429). «میزان در انسانیت، معنویت انسان است» (همان، ج 8: 463)

عمده‌ترین تفاوت و وجه افتراق کرامت ذاتی و اکتسابی در آن است که کرامت ذاتی، غیر ارادی بوده و بی‌آنکه آدمی در این امر دخالتی داشته باشد، خالق هستی آن را در وجود و ضمیرش به ودیعت نهاده است؛ اما کرامت اکتسابی، ارادی و اختیاری بوده و به اراده و خواست انسان و تلاش و کوشش وی در وصول به آن بستگی دارد و هرچه در این راه بیشتر به تکاپو و تلاش افتد، به درجاتی بالاتر از کرامت نایل خواهد شد و هرچه کاهل‌تر و بی‌اراده‌تر باشد، حرمانش فزون‌تر خواهد بود.

بنابر این، انسانها در کرامت ذاتی و طبیعی برابرند، ولی در کرامت اکتسابی الزاماً برابر نیستند. کرامت ذاتی حقی است طبیعی و خدادادی که آفریدگار هستی در وجود تمامی انسانها به ودیعت گذاشته و همه از آن بهره‌مندند. این حق قابل سلب و اسقاط و نقل و انتقال نیست و احدی نمی‌تواند به آن تجاوز کند. در کنار این حق، حق کرامت اکتسابی وجود دارد که در سایه تلاش و خودسازی به دست می‌آید و مقصد آن نبل به قرب الهی و کمالات است. جایگاه حقوق شهروندی در اسلام، در بین ادیان و مکاتب بشری، در عالی‌ترین مرتبه قرار دارد. به عبارتی؛ انسان در مقام «خلیفه‌اللهی» که برخوردار از کرامت ذاتی است، در عین برخوردار از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی، مسؤل و مکلف نیز هست و در نظام اجتماعی و حقوقی، نوعی ضمانت اجرایی تکلیفی و شرعی نیز به چشم می‌خورد. بر اساس کرامت ذاتی و اکتسابی و

1024 ♦ مبانی اخلاقی حقوق شهروندی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

رعایت لوازم آن در جامعه اسلامی، همه شهروندان از حقوق سیاسی و اجتماعی و قوانین موضوعه برخوردارند و در تمام شئون جامعه و حکومت مشارکت دارند.

در مجموع می‌توان گفت حضرت امام در حوزه معرفت‌شناسی، به خصوص در تفکر اخلاقی، سیاسی و اجتماعی خود، به آمیختگی عقل شرع و فطرت انسان تأکید زیاد دارد و شعور اخلاقی را در کنار حکم شرعی و استلزامات عقلی قبول دارد. به طور کلی، مکتب اخلاقی امام نه فلسفی و عقلانی محض است و نه شرعی و نص‌گرایی محض، بلکه تلفیقی از اخلاق فلسفی، استدلالی و عقلانی، به همراه اوامر و نواهی شرعی و دستورات الهی و معرفت و حیاتی است. امام خمینی معتقد است ارزشهای کلی اخلاقی را می‌توان با عقل فهمید و اثبات کرد. فطرت الهی را که در آدمی به ودیعه گذاشته شده و در آن، شناخت و تمیز و تشخیص فجور و تقوا به آدمی الهام شده است: «فَالْهَمَهَا فَجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: 8)، قبول دارد.

مکتب اخلاقی امام، برگرفته از اخلاق دینی در دین مبین اسلام است و از مفاهیمی مثل تقوا، جهاد اکبر، ارکان اربعه سلوک، مشارطه، مراقبه نفس، مضامین دینی و ادعیه استفاده شده و از اخلاق ارسطویی جداست و بین آموزه‌های فقهی و شرعی پیوند ایجاد کرده است. اخلاق امام، اخلاق دینی است، نه غیر دینی و سکولار. (همی، 1383)

5. اصول و گزاره‌های تأثیرگذار بر منظومه معرفت‌شناسی امام خمینی

در بررسی این موضوع می‌توان به هشت اصل مهم که از گزاره‌های علوم مختلف دینی، فلسفی، عرفانی تأثیرگذار بر معرفت‌شناسی امام بوده‌اند، به ترتیب به: دو بعدی بودن انسان، مراتب سه‌گانه نفس انسان، قابلیت انعطاف و تغییرپذیر بودن انسان، ابتنای اخلاق بر دین، سعادت، عدالت، تقدّم اخلاق فردی بر جمعی، توجه به بعد اجتماعی اخلاق و فلسفه بعثت انبیا، در راستای تربیت انسان به اختصار اشاره کرد.

یک) آزادی

امام خمینی، حرّیت انسان را نوعی فطرت یا سرشت الهی او می‌شمارد و از این منظر ابدیت و آخرت را قابل اثبات می‌خواند: «می‌توان آن عالم را به فطرت حرّیت و نفوذ اراده - که در فطرت هر یک از سلسله بشر است - اثبات کرد. چون مواد این عالم و اوضاع این دنیا و مزاحمتها و تنگی و ضیق آن، تأسی دارد از حرّیت و نفوذ اراده بشر، پس باید عالمی در دار وجود باشد که اراده در آن نافذ باشد و مواد آن، عصبان از نفوذ اراده نداشته باشد و انسان در آن عالم؛ فعال مایشاء و حاکم مایرید باشد؛ چنانکه فطرت، مقتضی است (امام خمینی، 1373: 161). نهایت آزادی‌خواهی انسان، جوار حق، خشنودی، سلام، فلاح و خرسندی انسان از گرایش او به حقیقت است. از دیدگاه امام خمینی، آزادی‌خواهی و کمال‌طلبی، هر دو از جمله فطرت‌های الهیه‌اند که جمیع بشر بر آن خلق شده‌اند؛ یعنی آزادی، تمایلی است فطری که در ارتباط با کمال‌خواهی مفهوم پیدا می‌کند. حق آزادی، تعالی و کمال همگانی است؛ زیرا هماهنگی تشریح و تکوین طلب می‌کند که انسانها بتوانند به غایت مطلوب از خلقت جهان که همان کمال و تعالی است، دست یابند و این امر جز با

1025 ❖ غلامرضا اسم حسینی

اختیار و آزادی انسانها در انتخاب راه و حرکت به سوی کمال میسر نمی‌شود. در یک کلام باید گفت آزادی جوهرهٔ انسانیت و آدمی بودن و آدمی زیستن است. آزادی یعنی آنکه انسان بتواند آن‌گونه رفتار کند که خود، آن را برگزیده است و غرض از دستیابی به آزادی، رسیدن به سعادت و کمال و قرب الهی و زندگی معنوی است. از نظر امام، آزادی جزء اولین حقوق مردم است و موهبتی است از جانب ذات باری تعالی و حکومتها نمی‌توانند این حق را نادیده بگیرند. «حق اولیهٔ بشر است که من می‌خواهم آزاد باشم؛ من می‌خواهم حرفم آزاد باشد» (ممو، بی‌تا، ج 3: 510). ایشان آزادی را عطیهٔ خداوند و به تبع آن حق دخالت در آزادی بشر را منحصر به ذات مقدس حق می‌داند (همان: 406). از نظر ایشان، حکومت نه تنها باید دغدغهٔ آزادی شهروندان را داشته باشد، بلکه باید اسباب تضمین آن را فراهم آورد: «باید ... آزادی‌ها در حدود قوانین مقدس اسلام و قانون اساسی به بهترین وجه تأمین شود» (همان، ج 12: 283).

دو) اعتدال

اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در غرایز، از ویژگی‌های انسان‌شناختی انسان است که صورت فطری آنها را داراست؛ زیرا اعتدال در قوا و پرورش همهٔ استعدادها، یک گرایش فطری است و متربی را به اعتدال در طریق انسانیت و پرهیز از اعوجاج و انحراف از جادهٔ انسانیت سوق می‌دهد (ممو، 1373: 207). با هماهنگی ساختن همهٔ توانمندی‌ها و خواسته‌های فطری با یکدیگر، نفس آدمی به آسانی به ترکیه و تهذیب می‌پردازد؛ تهذیبی که جایگاه ویژه‌ای در آموزه‌های دینی دارد و در نظام تعلیم و تربیت از قداست و ویژه‌ای برخوردار است (ممو، 1379: 13، 211) و عامل پیشرفت همه‌جانبهٔ بشر می‌شود. (ممو، 1373: 142)

سه) دو بعدی بودن انسان

امام به صورت مبنایی به آن اعتقاد دارند. این دو بعد عبارتند از: «نشئهٔ ظاهرهٔ دنیوی که بدن اوست و نشئهٔ باطنیهٔ غیبیهٔ ملکوتیه که از عالم دیگر است» (ممو، 1374: الف: 323)

چهار) مقامات سه‌گانهٔ نفس انسانی

نفس انسان دارای مراتب و درجاتی است و هر درجه، جنودی رحمانی یا شیطانی دارد که همیشه میان آنها نزاع و جدال است. «شئان ثلاثهٔ نفس؛ یعنی نشئهٔ مُلک و دنیا که محط عبادات قلبیه است و نشئهٔ ملکوت و برزخ که محل عبادات قلبیه و تهذیبات باطنیه است و نشئهٔ جبروت و آخرت که مظهر عبادات روحیه و تجرید و تفرید و توحید است - تجلیات یک حقیقت قدسیه و مراتب یک بارقه الهیه است» (همان: 68)

پنج) قابلیت انعطاف پذیر بودن انسان

شرط لازم برای ایجاد هرگونه دگرگونی در خلقیات انسان این است که تحول‌پذیری روح انسان در این دنیا پذیرفته شود. امام می‌فرماید: «جمع ملکات و اخلاق نفسانیه، تا نفس در این عالم حرکت و تغیر است و در تحت تصرف زمان و تجدد واقع است و دارای هیولی و قوه است، قابل تغیر است و انسان می‌تواند جمع اخلاق خود را متبدل به مقابلات آنها کند» (همان: 510)

شش) ابتدای اخلاق بر دین

دستیابی به معرفت الهی و فهم اسرار شریعت و علم باطنی با رعایت ظاهر شریعت، عمل به دستورات شرع و تأسی به سنت رسول الله حاصل می‌شود. امام، طریقت و رفتار عملی را با فهم دین و اعتقادات گره می‌زند و رسیدن به فضایل و اخلاق حسنه را در آن می‌بیند: «تا انسان متأدب به آداب شریعت حقه نشود، هیچ یک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود». (همان: 8)

هفت) سعادت

فهم سعادت و عوامل مؤثر در آن، از جمله نقش بعثت پیامبران در تعلیم و تزکیه انسانها، در تمامی مراتب اندیشه امام خمینی، به خصوص مباحث اخلاقی و اجتماعی و ارتباط آن با سیاست، تأثیرگذار است. حضرت امام، سعادت را دریافتن لذت و امور ملایم می‌داند. با این حال، درک سعادت در خصوص انسان، به ویژه از لحاظ اخلاقی، کمی دشوارتر است و مستلزم تزکیه و رساندن قوه‌های نفسانی به اعتدال و استفاده مطلوب از عقل و عمل به شریعت است. به نظر امام: «رضایت‌بخش‌ترین قول تشریحی، علم توحید است که به واسطه فرشتگان و پیامبران بر بندگان خدا افاضه شده و علم تهذیب نفس است که سعادت انسان به آن بستگی دارد». (همو، 1374/ب: 172)

هشت) عدالت

امام، عدالت را عبارت از تمام فضایل می‌داند و آن را حد وسط بین افراط و تفریط و تعدیل بین جمیع قوای باطنیه و ظاهریه تعریف می‌کند. از نظر وی، عدالت همان صراط مستقیم است و در این باره نظرات بسیار عمیق و آثار متعدد دارد؛ از جمله می‌فرماید: «طریق سیر انسان کامل از نقطه نقص عبودیت تا کمال عزّ ربوبیت، عدالت است که خط مستقیم و سیر معتدل است. و اشارات بسیاری در کتاب و سنت بدین معنی است. چنانچه صراط مستقیم، که انسان در نماز طالب آن است، همین سیر اعتدالی است» (امام خمینی، 1374/الف: 152). همچنین: «عدالت را اطلاق دیگری است و آن عبارت است از تعدیل جمیع قوای باطنیه و ظاهریه و روحیه و نفسیه». (همان: 151)

6. مصادیق بارز عملی و کاربردی برای رعایت حقوق شهروندی در دیدگاه امام

حضرت امام در حوزه عملی و کاربردی نیز راهکارها و رهنمودهای زیادی مطرح کرده‌اند. برای نمونه، رهنمودهای ایشان را درباره کارایی اخلاقی قدرت، ملتزم بودن رهبران و کارگزاران به اخلاق و ارزشهای معنوی، تأکید بر رعایت موازین اخلاقی و رفتاری از سوی نهادهای مدنی و ارگانها و رسانه‌ها، امور مربوط به انتخابات، احزاب و اجتماعات و سایر موضوعات مهم اجتماعی و سیاسی، بهترین روشها و الگوها را برای توسعه سیاسی، اجتماعی جامعه اسلامی و مدنیت و حقوق شهروندی بیان کرده و در سیاستگذاری و تعیین راهبردهای نظام اسلامی مؤثر واقع شده است.

یک) منح تبعیض: از نظر امام، برخورداری از حقوق اجتماعی در جامعه بر اساس تابعیت کشور است و تمام شهروندان ایرانی، اعم از شیعه و سنی و اقلیتهای دینی، از حقوق اجتماعی برخوردارند. «من مکرر اعلام کرده‌ام که در اسلام، نژاد، زبان، قومیت و گروه و ناحیه مطرح نیست. تمام مسلمین، چه اهل سنت و چه شیعی، برادر و برابر و همه برخوردار از همه مزایا و حقوق اسلامی هستند» (امام خمینی، بی تا)؛ «هر ایرانی حق دارد که مانند همه افراد از حقوق اجتماعی برخوردار باشد. مسلمان یا مسیحی و یا یهودی و یا مذاهب دیگر فرق ندارد» (همان).

دو) حقوق زنان: امام در زمینه تساوی حقوق زنان با مردان می‌فرمایند: «اسلام نظر خاص بر شما بانوان دارد. اسلام در وقتی که ظهور کرد در جزیره‌العرب، بانوان حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند؛ اسلام آنها را سربلند و سرافراز کرد. اسلام آنها را با مردان مساوی کرد» (همان)؛ «ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانیت برسد. زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد» (همان)؛ «اسلام زن را مثل مرد در همه شئون، همان‌طوری که مرد در همه شئون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد؛ همان‌طوری که مرد باید از فساد اجتناب کند، زن هم باید از فساد اجتناب کند... زنها اختیار دارند، همان‌طوری که مردها اختیار دارند» (همان).

سه) حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان: حضرت امام در حوزه آزادی احزاب و انجمنها و تشکیل اجتماعات فرموده‌اند: «کلیه شهروندان حق دارند در گروه‌بندی‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، صنعتی و اقتصادی شرکت کنند. جلوگیری از این حق، مابینت آشکاری با آزادی دارد، مگر آنکه تجمّع و گروه‌بندی خطرانی برای نظم عمومی مستقر داشته باشد» (همان).

چهار) حقوق شهروندان در تعلیم و تعلّم و فرصتهای برابر آموزشی: امام در خصوص فرصتهای برابر آموزشی بیان فرموده‌اند: «در علم و تقوا کوشش کنید که علم به هیچ کس انحصار ندارد. علم مال همه است» (همان)؛ «...لازم است تمام بی‌سوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن بپای خیزند» (همان).

پنج) حقوق شهروندان در فعالیتهای سیاسی و انتخابات آزاد: یکی از مهم‌ترین حقوق اساسی مردم در جامعه، حق تعیین سرنوشت است. از نظر امام، حق تعیین سرنوشت از حقوق اساسی مردم است که به موجب آن، هر ملتی باید سرنوشت خودش را خودش معین کند: «همان‌طوری که مکرر من عرض کرده‌ام و سایرین هم گفته‌اند، انتخابات در انحصار هیچ کس نیست، نه در انحصار روحانیین است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه‌ها است. انتخابات مال همه مردم است. مردم سرنوشت خودشان دست خودشان است و انتخاب برای تحصیل سرنوشت شما ملت است» (همان).

شش) اقلیتهای مذهبی: از نظر حضرت امام، اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلامی، آزادی انجام فرائض مذهبی را دارند و می‌توانند به طور آزادانه به اعمال مذهبی خود بپردازند. امام در آستانه پیروزی انقلاب و تشکیل حکومت اسلامی، در پاسخ به سؤالی در این باره می‌فرمایند: «تمام اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه فرائض مذهب خود آزادانه عمل نمایند» (همان).

هفت) آزادی بیان: امام در خصوص آزادی بیان معتقدند: «قانون اساسی می‌گوید ملت‌ها باید آزاد باشند، ملت ایران باید مردمش آزاد باشند، مطبوعات باید آزاد باشد، هیچ کس حق ندارد جلوی قلم را بگیرد» (همان). در جای دیگر می‌فرمایند: «این ملت آزاد است به حسب قانون اساسی، به حسب شرع ملت آزاد است. قانون اساسی ملت را آزاد کرده است» (همان). همچنین: «... بیان همه چیز آزاد است، چیزهایی آزاد نیست که مضر به حال ملت ما باشد» (همان).

د) جمع‌بندی

بر اساس مبانی اخلاقی و گزاره‌های مؤثر در حوزه معرفت‌شناسی امام خمینی (انسان‌شناسی، هستی‌شناسی جامعه‌شناسی) و با تأسیس حکومت اسلامی، زمینه‌ای فراهم شد تا حضرت امام بتواند در متن حیات اجتماعی و سیاسی جامعه و در هنجارهای موجود در زمینه اخلاق و سیاست، به خصوص توسعه سیاسی تغییر ایجاد کند. این مدل از توسعه سیاسی و اجتماعی در جامعه، مبتنی بر معرفت‌انسان‌هاست و مشارکت و جایگاه مردم را به عنوان شهروند برخوردار از حقوق، آزادی‌های مشروع، رفاه، امنیت و عدالت، برای رسیدن به قرب الهی فراهم می‌سازد.

با توجه به آنچه مطرح شد، نتیجه می‌گیریم که مبانی اخلاق امام خمینی نقش بسیار اساسی در تنظیم و تحکیم و اجرای حقوق شهروندی دارد. به عبارت دیگر؛ از آنجا که نگاه امام به حوزه توسعه نظام سیاسی و اجتماعی در بستر اندیشه دینی، مبتنی بر مشرب فکری صدرایی است و تحول‌گرایی و تعالی را فراتر از اخلاق فردی و نظری می‌داند؛ همچنین گسترش فضایل اخلاقی در جامعه را بخشی از سازواره جامع و نظام‌مند که متشکل از عقلانیت و خردورزی و طریقت و منش اخلاقی و شریعت و پیروی از دستورات و احکام الهی است، قرار می‌دهد؛ بنابر این، وضع و رعایت حقوق و قوانین و هنجارهای اجتماعی در نظام شهروندی از سوی شهروندان، اعم از حاکمیت و آحاد مردم و روابط حاکم بر سازمانها، مبتنی بر نگاه جامع به دین مبین اسلام بوده و با حضور متعهدانه و مسئولانه در راستای رسیدن به قرب الهی، خود را به نمایش می‌گذارد و ضمانت اجرای آن در تأمین آزادی‌های اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی، به استناد آموزه‌های دینی و معرفت‌شناسی دین مبتنی بر فطرت و عقلانیت و کرامت انسان و فهم و انجام تکالیف الهی در قالب شریعت و اصول اخلاق اسلامی است. حضرت امام با تکیه بر چنین دیدگاهی، ضرورت وجودی اخلاق سیاسی، حقوق، توسعه و تعالی را صرفاً برخاسته از ضرورت‌های اجتماعی و خواسته‌های نوع بشر نمی‌داند، بلکه اراده و شایستگی و حقوق و منزلت افراد و در سطح کلان، جامعه را در طول اراده خداوند دانسته، آن را با انجام تکالیف الهی می‌آمیزد. بهترین گواه بر این استدلال، بیانات و عملکرد آن حضرت در تأسیس و هدایت نظام جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی مبتنی بر ولایت فقیه است.



منابع

- قرآن کریم.
- الجزایری، عبدالرحمن (1406 ق). الفقه علی المذاهب الاربعه. اللجنة بإشراف وزاره الأوقاف بمصر. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- امام خمینی، روح‌الله (1379). تحریرو الوسيله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (1374 الف). شرح چهل حدیث. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (1373). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (1374 ب). شرح دعای سحر. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (بی تا). صحیفه امام. نرم/فزار جامع آثار امام خمینی. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امامی، سید حسن (1386). حقوق مدنی. تهران، اسلامی، چ بیست و هفتم.
- امینی، سید حسین (1377). «قانون اساسی و حقوق شهروندی». مجموعه مقالات جمهوریت و انقلاب اسلامی. تهران: سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی.
- مسعود، جبران (1381). فرهنگ القباوی الراءد. ترجمه رضا انزابی نژاد. مشهد: آستان قدس رضوی.
- حرانی، حسن بن علی (1417 ق). تحف العقول. قم: اسلامی، چ پنجم.
- خامنه‌ای، سید علی (1390). سخنرانی در بیست و دومین سالگرد رحلت امام.
- رضائزاد (نوشین)، غلامحسین (1371). حکیم سبزواری؛ زندگی، آثار، فلسفه. تهران: سنایی.
- شیبانی، م. (1384). «شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی». حقوق تأمین اجتماعی، سال اول، ش 1.
- صدرا، علیرضا (1383). «تعامل اخلاق و سیاست». علوم سیاسی، سال هفتم، س 2 (پیاپی 26): 13-26.
- طباطبایی، فاطمه (1387). «مبحث فطرت از دیدگاه امام». متین، ش 2.
- فرهیخته، شمس‌الدین (1377). فرهنگ فرهیخته (واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی - حقوقی). تهران: زرین.
- کلینی (1365). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- گلدوزیان، م. (1384). حق دارا بودن تابعیت به عنوان حق بشری و چگونگی اعمال آن در حقوق داخلی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مصباح، مجتبی (1382). بنیاد اخلاق: روشی نو در آموزش فلسفه اخلاق. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر (1393). تفسیر نمونه. قم: دارالکتب الاسلامیه ی.
- همتی، همایون (1383). «اخلاق و عرفان از دیدگاه امام خمینی». کیهان فرهنگی، ش 212.
- Holy quran
- Aljazayeri, abdol rahman (1986), **alfegh ala almazaheb alarbaah** . Beirut: darol ehya

- Imam Khomeini , rohollah (2001) **tahrir al vasileh**, Tehran : The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works
- Imam Khomeini , rohollah (1996) **chehel hadith (forty hadiths)** , Tehran : The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works
- Imam Khomeini , rohollah (1995) **sharhe hadith jonood aghl va jahl** , Tehran : The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works
- Imam Khomeini , rohollah (1996) **sharhe doaye sahar** , Tehran : The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works
- Imam Khomeini , rohollah (N.D.) **SAHIFEH EMAM (collection of works)** , ghom : The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works
- Emami , seyyed hasan (2008) **Civil Rights** , Tehran : eslamiah pub.
- amini , seyyed hossein (1999) **constitution and citizenship rights** , Tehran : Islamic revolution cultural documents organization
- Masoud , jebran (2003) **alraed alphabetical dictionary** , translated by reza anzabinezhad , mashad : astane ghodse razavi pub.
- Harani , hasan ebne ali (1996) **tohafol oghool** , ghom : Islamic Publication
- Khamenei , seyyed ali(2012) **lecture at 22 th. Aniversary of imam Khomeini,s passing away**
- Rezanezhad (nooshin) , gholam hossein (1993) **life, works and philosophy of hakim sabzevari** , Tehran : sanaee
- sheibani , M. (2006) **Citizenship and participation in social security and welfare comprehensive system** , social security rights , N: 1.
- sadra , A. (2005) **ethic and policy** , political sciences , N: 2.(13-26)
- tabatabaee , F. (2009) **nature in imam Khomeini,s views** , matin , N: 2.
- Farhikhteh , SH. (1999) **farhikhteh dictionary (law and policy expressions)** , Tehran : zarrin.
- Koleini (1987) **alkafi** , Tehran: darolkotob aleslamiah.
- goldoozian , M. (2006)**citizenship as human right and Exercising citizenship right in domestic laws of iran** ,tehran: M.A . Thesis at allameh Tabatabaee University
- Mesbah , M. (2004)**Foundation of ethics; a new method in ethics philosophy education** ,ghom : imam Khomeini,s education and research institute
- Makareme shirazi , N. (1987) **Tafsire nemooneh** ,ghom : darol kotobol eslamiah
- homayoon , H. (2005) **ethics and Mysticism in imam khomeini,s views** ,keyhane farhangi , N:212

